

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقاتی منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان



تلاش برای همکاری نزدیکتر روسیه با ایران

دیدار کند، اما اولین دیدار رسمی آن‌ها به تاریخ ۱۱ اکتبر در یک مجمع بین‌المللی در ترکمنستان موکول شد.

این گفت‌وگوها نشان‌دهنده تمایل روسیه برای تسریع روابط خود با ایران، با تأکید بر همکاری نظامی و استراتژیک است، زیرا منافع مشترک در حال حاضر بر نارضایتی‌های گذشته بین کشورها سایه افکنده است. در پس‌زمینه، روسیه نگران قصد پزشک‌های ایران برای مذاکره درباره توافق هسته‌ای جدید با غرب و تضمین رفع تحریم‌ها علیه ایران است.

ادامه در صفحه ۲

حال، میزان حمایت روسیه از ایران مستقیماً به سطح دخالت آمریکا در درگیری اسرائیل با ایران و نیروهای نیابتی آن بستگی دارد.

در هفته‌های اخیر، تماس‌های رسمی بین مقامات ارشد روسیه و ایران افزایش یافته است. سرگئی شویگو، دبیر شورای امنیت ملی روسیه و وزیر دفاع سابق روسیه در تاریخ ۱۸ سپتامبر به تهران سفر کرد و در آنجا با همتای ایرانی خود و رئیس‌جمهور ایران، مسعود پزشکیان دیدار کرد. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه قرار بود در پایان اکتبر در جریان اجلاس بریکس در کازان روسیه با رئیس‌جمهور ایران

مطالعات امنیت ملی (INSS)

یارون گامبورگ / آرناد میلمن |

گفت‌وگوهای مکرر در هفته‌های اخیر بین مقامات ارشد روسیه و ایران حاکی از تشدید روابط استراتژیک بین دو کشور است. از دیدگاه روسیه، جنگ در اوکراین و رویارویی‌های نظامی شامل اسرائیل، عناصر به هم پیوسته در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک را نشان می‌دهد. بنابراین، اتکای روسیه به تجهیزات تسلیحاتی ایران در بحبوحه جنگ طولانی‌مدت این کشور در اوکراین، توجه این کشور را به نیازهای نظامی و استراتژیک ایران نشان می‌دهد. در عین

۱۵

ترامپ و طرح تغییر
غرب آسیا

۱۴

اروپای رادیکال در مقابل
آمریکای عوام‌گرا

۹

آینده چین با
کاخ سفید جدید

تلاش برای همکاری نزدیکتر روسیه با ایران



ضد کشتی را تأمین کرده است و او همچنین تمایل خود را برای میانجیگری بین ایران و اسرائیل برای یافتن مصالحه و در نهایت توقف تبادل مداوم ضربات ابراز کرده است.

نزدیک به دو سال و هشت ماه از حمله روسیه به اوکراین و یک سال پس از آغاز جنگ اسرائیل در غزه می‌گذرد، هر دو جنگ از دیدگاه روسیه مجموعه‌ای از پویایی‌های به هم پیوسته در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک را نشان می‌دهند. جنگ در اوکراین رویارویی روسیه و غرب را تشدید کرده است و روسیه را به تقویت روابط با کشورهای که خصومت خود را با غرب، به ویژه ایران و کره شمالی دارند، سوق داده است. روسیه احتمالاً به حمایت از ایران و گروه‌های نیابتی‌اش ادامه خواهد داد و در عین حال از آن‌ها سود می‌برد. سطح و میزان این حمایت مستقیماً به میزان دخالت آمریکا در جنگ بین اسرائیل و ایران و نیروهای نیابتی آن بستگی دارد. هر چه دخالت آمریکا بیشتر باشد، انتظار می‌رود روسیه مشارکت خود را بیشتر کند.

<https://tinyurl.com/2bd6u7oh>

جنگ‌های جنگنده مهمترین این موارد است. آموزش خلبانان ایرانی در هر دو کشور در حال پیشرفت است و حمایت روسیه در ارتقای توانمندی‌های ایران در جنگ الکترونیک، فناوری‌های موشک‌های بالستیک و همکاری‌های فضایی مشهود است.

روسیه و ایران به طور مکرر در مورد همکاری‌های هسته‌ای باهم در تماس بوده‌اند، با مشارکت دانشمندان ایرانی در پروژه‌های موسسه انرژی اتمی کورچاتوف که باعث ایجاد سوء ظن در مورد کمک احتمالی روسیه شده است. کارشناسان روسی بر این باورند که دولت روسیه خواهان یک ایران مجهز به سلاح هسته‌ای نیستند و به پیشبرد برنامه هسته‌ای آن کمک نخواهد کرد، اما حمایت از ایران در پیشبرد منافع هسته‌ای، از جمله در مذاکرات با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) در دستور کار روسیه است. روسیه همچنین از نیروهای نیابتی ایران در منطقه، حزب‌الله و حوثی‌ها حمایت می‌کند. روسیه تبادلات اطلاعاتی منظم با حزب‌الله را انجام داده و موشک‌های

روسیه قصد دارد این روابط ارتقا یافته را از طریق یک توافقنامه جدید «مشارکت استراتژیک جامع» که احتمالاً به زودی پس از دو سال بحث و گفت‌وگو امضا خواهد شد، چارچوب بندی کند. از نشانه‌های این تحول، فرمان ریاست جمهوری پوتین در تاریخ ۱۸ سپتامبر است که به وزارت خارجه روسیه دستور می‌دهد تا امضای توافقنامه را در بالاترین سطح اهمیت قرار دهند. بیشتر جزئیات این توافق هنوز برای عموم نامعلوم است، اما آندری رودنکو، معاون وزیر امور خارجه روسیه، قبلاً آن را «توافق تاریخی» خوانده است. پوتین و پزشکیان در دیدار خود بر تمایل برای پیشبرد امضای توافقنامه در اسرع وقت تأکید کردند.

حتی بدون توافق در حال ظهور، دامنه مشارکت استراتژیک بین روسیه و ایران امروزی سابقه است و باید باعث نگرانی عمیق در پایتخت‌های غربی و اورشلیم شده است. تقویت روابط امنیتی دو کشور از جمله گسترش آن به مناطق جدید، نقش ایران به عنوان تأمین کننده مهم تسلیحات به روسیه و ارتقای پروژه راهبردی «کریدور حمل و نقل شمال-جنوب» همگی نشان دهنده تغییر توازن روابط است.

برای روسیه، دلیل اصلی افزایش همکاری نظامی با ایران، چالش‌های پیش روی ارتش روسیه در جبهه اوکراین است. در خط مقدم کمک‌های ایران، تأمین حدوداً هزار پهپاد به ارتش روسیه بوده است. ایران همچنین به ایجاد یک کارخانه مستقل تولید پهپاد در بلاگو روسیه کمک کرده است.

ایران صدها موشک بالستیک کوتاه برد را به روسیه منتقل کرده است که منجر به تحریم‌هایی علیه ایران از جمله شرکت ایران ایر شده است. ایران همچنین مهمات مورد نیاز دیگر روسیه را تأمین کرده است. اتکال فزاینده روسیه به کمک ایران به دلیل نیاز به کاهش هزینه‌های جنگ در اوکراین و رفع کمبود تسلیحات است. روسیه اقداماتی را برای حمایت از ایران اجرامی کند، سلاح‌های پیشرفته روسی، سیستم‌های پدافند هوایی و

ایران به حمله اسرائیل پاسخ خواهد داد؟

جروزالم پست سالم الکتبی |

پاسخ محتمل این است که ایران به چند دلیل عینی پاسخی نخواهد داد. به گفته منابع آگاه آمریکایی که با اکسیوس صحبت می‌کردند، در میان این موارد، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد پیش از حمله اسرائیل، مقدمات گسترده‌ای اتخاذ شده بود و ایران از حمله و اهداف مورد نظر آن مطلع شده بود. این ترتیب در تضاد با نیات اسرائیل بود، زیرا وزیر دفاع به دنبال یک حمله کشنده، دقیق و غافلگیرکننده بود. نقش آمریکا در این ترتیبات مشهود است و آن‌ها را به بخشی از یک توافق ضمنی تبدیل می‌کند که بر اساس آن ایران از اقدام تلافی جویانه خودداری می‌کند.

عامل حیاتی در حفظ این ترتیبات در پایبندی اسرائیل به فهرست هدف از پیش ابلاغ شده نهفته است. به نظر می‌رسد خسارات ایران محدود به تأسیسات نظامی بوده است، که نظام ایران را در صورت عدم پاسخگویی از هرگونه شرمساری در امان می‌گذارد. این وضعیت به هر دو طرف اجازه می‌دهد تا ادعای دستیابی به اهداف خود را داشته باشند و پیروزی روانی را اعلام کنند.

این حمله به طور موثری تعادل قوا و قوانین تعامل را که از لحاظ تاریخی بر درگیری آن‌ها حاکم بوده است، بازگرداند. در حالی که این موقعیت استراتژیک ممکن است با اهداف کنونی دولت اسرائیل همسوس نباشد، در واقع، نشان دهنده فرصت از دست رفته برای مقابله با ایران در ضعیف‌ترین موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش است. به نظر می‌رسد دولت نتانیاها به محدود کردن نیروهای نیابتی منطقه‌ای ایران از طریق حذف رهبران تروریستی حزب‌الله و حماس رضایت داده است. اکنون انتظار می‌رود اسرائیل به سمت جنگ سایبری یا جنگ ترکیبی به عنوان راهبردهای موثرتر و کم هزینه‌تر برای مقابله با تهدیدات ایران حرکت کند.

عوامل اضافی نشان می‌دهد که ایران پاسخی نخواهد داد. تهران اذعان دارد که حمله محدود اسرائیل ممکن است سعی در تحریک پاسخی داشته باشد که گسترش درگیری را توجیه کند. راهبرد نظام ایران در چنین شرایطی پرهیز از به دام افتادن است.

علاوه بر این، استراتژی اساسی ایران به جای رویارویی مستقیم بر جنگ نیابتی متکی است.

[t.ly/N60Tb](https://www.ty/N60Tb)

ترامپ قبل از فشار حداکثری به استراتژی در قبال ایران نیاز دارد

تاثیر دوره دوم ترامپ بر شورای همکاری خلیج فارس

استیمسون

جورجیو کافیروا

۶ عضو شورای همکاری خلیج فارس برای بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید امیدوارند که او بتواند صلح را در منطقه به ارمغان بیاورد، اما در برخی سطوح نامشخص و نگران هستند.

سیاستگذاران در عربستان، امارات و بحرین، به ویژه، در طول دولت اول ترامپ روابط نزدیکی با آمریکا داشتند و شاید خوشبین‌ترین افراد در مورد پیروزی انتخاباتی او باشند.

اولین سفر خارجی ترامپ در دوره قبلی‌اش به ریاض بود. ترامپ همچنین رابطه نزدیکی با محمد بن سلمان، ایجاد کرد.

کشورهای حاشیه خلیج فارس، در اکثر موارد، رویکرد مبادله‌ای و بسیار شخصی ترامپ در سیاست خارجی را به دلیل شباهت آن به شیوه‌هایی که مقامات شورای همکاری خلیج فارس با یکدیگر و در صحنه بین‌المللی تجارت می‌کنند، ارزشمند می‌دانند. میزان ارتباط نزدیک شخصیت‌های بلند پایه عربستان و سایر کشورهای عربی خلیج فارس با ترامپ و حلقه نزدیک او در طول چهار سال گذشته نیز می‌تواند نویدبخش توانایی آن‌ها برای معامله با دولت دوم ترامپ باشد.

از سوی دیگر، رهبران شورای همکاری خلیج فارس در مورد غیرقابل پیش‌بینی بودن ترامپ و اینکه آیا سیاست‌های او می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر در غرب آسیا دامن بزند، نگرانی‌هایی دارند. بازگشت ترامپ به دنبال تغییرات قابل توجهی در منطقه رخ می‌دهد و مشخص نیست که تیم جدید ترامپ چگونه با محیط جدید سازگار خواهد شد.

برخلاف وضعیت دوره اول ترامپ، زمانی که عربستان و امارات از آمریکا برای حمایت از محاصره قطر، خروج از توافق هسته‌ای ایران و اعمال «فشار حداکثری» بر تهران لابی کردند، کشورهای خلیج فارس در چند سال گذشته به دنبال حل این موضوع بوده‌اند. اگر همانطور که برخی پیش‌بینی کرده‌اند، ترامپ سیاست «فشار حداکثری» را بر ایران تحمیل کند و به دنبال خفه کردن صادرات بیشتر نفت ایران باشد، عربستان و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس نگران تأثیر این موضوع بر منافع خود خواهند بود.

t.ly/Fesxl



در قبال تحریم‌ها رفتاری ثابت کننده تهران را تغییر نداده است. صرف نظر از اینکه سیاست بایدن در قبال ایران چگونه قضاوت شود، طرح نوپای ترامپ شایسته بررسی است. هوک تصریح کرده است که فشار حداکثری ابزار انتخابی دولت جدید خواهد بود، اما هدف از این فشار را اعلام نکرد. او تغییر حکومت را به عنوان یک هدف رد کرد، اگرچه روند انتقال به تازگی آغاز شده است و سایر اعضای تیم امنیت ملی ترامپ ممکن است نظرات متفاوتی داشته باشند. به غیر از تغییر حکومت، فشار حداکثری می‌تواند به دو هدف کمک کند: نوعی توافق جدید با ایران یا «سیاست مهار». فشار آمریکا می‌تواند ابزار مفیدی برای دستیابی به هر یک از این نتایج باشد، اما اثربخشی واقعی آن به نحوه اعمال آن و با چه سطحی از حمایت بین‌المللی بستگی دارد، به خصوص اگر یک موضع اجرایی قاطعانه‌تر باعث ایجاد بحران در بازار نفت شود. تیم ترامپ همچنین باید در نظر بگیرد که چگونه به انتقام جویی احتمالی ایران که اخیراً شامل حملات به اهداف آمریکا در غرب آسیا و ظرفیت صادرات نفت شریک است، پاسخ خواهد داد.

در اولین دوره ریاست جمهوری ترامپ، مقامات آمریکایی قصد خود را برای پیگیری توافقی با ایران اعلام کردند که به طور چشمگیری نسبت به توافق برجام سال ۲۰۱۵ بهبود یافته است. این امر می‌تواند هدف دولت بعدی نیز باشد، اما دستیابی به آن دشوار خواهد بود. نگرانی‌های ایران در مورد بازگشت احتمالی ترامپ به قدرت دلیل اصلی شکست دولت بایدن در بازگشت متقابل به پایبندی به برجام در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۲ بود. سکوت تهران به ترتیب دیگر نیز کشیده شد یعنی رژیم از در نظر گرفتن قراردادهای مختلف با یک دولت آمریکا که برای اجرای شرایط توافق شده در درازمدت اعتماد نداشت، خودداری کرد.

is.gd/VPPZvd

موسسه واشنگتن
ریچارد نفیوا

به گفته برایان هوک که در دولت اول ترامپ مسئولیت سیاست ایران را برعهده داشت و اکنون ریاست تیم انتقالی وزارت امور خارجه را برای دوره بعدی برعهده دارد، فشار حداکثری بازگشته است؛ اما به چه منظور؟ فشار حداکثری هرگز به عنوان یک موضوع حقوقی از بین نرفت بدین معنی که دولت بایدن تحریم‌های موجود علیه ایران را حفظ کرد و سپس آن‌ها را به روش‌هایی مانند صدور تحریم‌های فردی جدید و گسترش دامنه فرمان اجرایی ۱۳۹۰۲ ترامپ برای هدف قرار دادن طیف وسیع‌تری از ایران ایجاد کرد. تجارت مرتبط با نفت از این منظر، تحریم‌های آمریکا علیه ایران هرگز جامع‌تر از امروز نبوده است.

با این حال، ترکیبی از حرف‌های دو پهلو ایران و اعمال فشار ضعیف آمریکا، حکومت ایران را قادر ساخته است که صادرات نفت و ذخایر ارزی خود را در چند سال گذشته افزایش دهد. دولت بایدن توضیحی در مورد علت آن ارائه نکرده است. علاوه بر این، جانت پلن، وزیر خزانه‌داری آمریکا در ماه مارس سال ۲۰۲۳ اشاره کرد که رویکرد دولت

گسترش اهداف جنگی اسرائیل در لبنان



اکنونمیست

اسرائیل به طور فزاینده‌ای در مناطقی از لبنان که جمعیت زیادی از شیعیان ندارد و به احتمال زیاد از حزب الله حمایت می‌کنند، عملیات می‌کند. این امر نگرانی را برانگیخته است که اسرائیل امیدوار است اختلافات فرقه‌ای طولانی مدت لبنان را شعله‌ور کند و در نتیجه تغییرات سیاسی را دامن بزند. اسعد جفتری، فرمانده سابق شبهه‌نظامیان در طول جنگ داخلی لبنان که اکنون یک فعال صلح است، می‌گوید: «بزرگترین خطر این است که ما شروع به کشتن یکدیگر کنیم.» لبنانی‌ها نگرانند که اهداف جنگی اسرائیل در کشورشان اکنون بسیار فراتر از نابودی فوری قابلیت‌های نظامی حزب الله در نزدیکی مرز است. اسرائیل هدف قرار دادن بخش‌های مهمی از رهبری غیرنظامی این گروه را آغاز کرده است. در سراسر فرقه‌های مذهبی مختلف لبنان، مردم از «غزه‌سازی» جنگ

که با سوریه در ارتباط بود کشته شد. در همین حال، بیگانگانی که رسماً قرار است به حفظ ثبات لبنان کمک کنند، قدرت کمی برای انجام این کار ندارند. نه اسرائیل و نه حزب الله هیچ احترامی برای یونیفیل قائل نیستند. اسرائیل مدعی است که نیروهای سازمان ملل به عنوان سیر انسانی برای حزب الله عمل می‌کنند.

t.ly/rFM0M

می‌بینند تا از ضعف نسبی حزب الله برای به دست آوردن رئیس جمهور جدید استفاده کنند که ممکن است علیه گروه شیعه عقب‌نشینی کند و دوستی بیشتری با غرب داشته باشد. تلاش‌های قبلی برای مداخله در سیاست لبنان پایان بدی داشته است. یک رئیس جمهور مسیحی مورد حمایت اسرائیل در سال ۱۹۸۲ انتخاب شد، اما قبل از روی کار آمدن او توسط یک قاتل

صحبت می‌کنند. آن‌ها می‌گویند که لشکرکشی اسرائیل که بیشتر از غزه هدف قرار گرفته بود، در حال گسترش است. آن‌ها می‌ترسند که کشتار غیرنظامیان به عنوان «خسارت جانی» در حال گسترش و پذیرش باشد. به گفته وزارت بهداشت لبنان، از اکتبر ۲۰۲۳ تقریباً ۳۰۰۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند. مقامات آمریکایی و اسرائیلی فرصتی را

انتخاب استراتژیک اسرائیل در بحبوحه تنش‌ها

کشور آینده تصور می‌کنند، مملو از خطرات است، به ویژه در زمینه حقوق بین‌الملل و درک جهانی. اکثر قدرت‌های جهانی شهرک‌سازی در کرانه باختری را غیرقانونی می‌دانند و اقدام یک‌جانبه برای اعمال حاکمیت می‌تواند به انزوای دیپلماتیک شدید اسرائیل منجر شود.

همچنین می‌تواند اسرائیل را از سوی متحدان عرب خود از جمله امضاکنندگان پیمان آبراهام دولت قبلی ترامپ و عربستان تهدید کند.

تمرکز فوری اسرائیل باید بر ایمن‌سازی خود در برابر تهدید وجودی ناشی از ایران علیه آن باشد. یک اقدام الحاق می‌تواند ایران را بیشتر برای بی‌ثبات کردن منطقه با مسلح کردن نیروهای نیابتی خود جسورتر کند و احتمالاً گروه‌های بیشتری را به درگیری آشکار با اسرائیل بکشانند. این خطری است که اسرائیل نمی‌تواند تحمل کند، به ویژه زمانی که فرصتی برای تقویت اتحاد ضد ایرانی با آمریکا در زمان ترامپ وجود دارد.

is.gd/VsCRdQ



یهودی (نام بخش کوهستانی جنوب سرزمین تاریخی فلسطین) و سامریه (نام کوه‌های شمالی کرانه باختری رود اردن) ایده جدیدی نیست. جناح اسموتریچ مدت‌هاست که از الحاق با ادعای توجیهات تاریخی و امنیتی دفاع می‌کند. با این حال، گسترش حاکمیت بر کرانه باختری، منطقه‌ای که فلسطینیان به عنوان بخشی از یک

متصور است و به دولت آینده ترامپ به عنوان یک متحد بالقوه نگاه می‌کند؛ اما در بحبوحه تهدیدات منطقه‌ای فزاینده، از تلاش بی‌وقفه ایران برای نفوذ گرفته تا درگیری‌های جاری با حزب الله و حماس، اسرائیل با اولویت‌های بسیار مهم‌تری مواجه است که نیاز به تمرکز دارد. تلاش اسرائیل برای حاکمیت در

جروزالم پست ویلیام هارتونگ |

درخواست اخیر بتسالل اسموتریچ، وزیر دارایی اسرائیل برای الحاق کرانه باختری، اسرائیل را در یک دوراهی تعیین‌کننده قرار داده است، نقطه‌ای که نیاز به بررسی دقیق زمان اظهارات وی دارد. اسموتریچ گامی متهورانه به سمت حاکمیت اسرائیل بر یهودیه و سامره را

ریشه‌های رادیکالیسم اسلامی پایدار است

کوئینسی
امیل نخله |

با ادامه حملات اسرائیل به غزه و بمباران حزب‌الله لبنان، اسلام سیاسی ستیزه‌جو تمام شده است. تحلیل‌گر ارشد دولت آمریکا پیش‌بینی می‌کند که اگر اسلام سیاسی زنده بماند، رهبران باید خشونت و ستیزه‌جویی را کنار بگذارند و به سیاست مشارکتی بازگردند. موفقیت‌های نظامی اخیر اسرائیل در برابر حماس و حزب‌الله را می‌توان تحسین کرد، اما امتناع آن‌ها از پرداختن به علل ریشه‌ای را می‌توان به عنوان یک پیروزی پیرو تلقی کرد. کشتار فلسطینیان در غزه و لبنان را نمی‌توان با ادعای اسرائیل مبنی بر هدف قراردادن «تروریست‌ها» توجیه کرد. با وجود تخریب، حماس و حزب‌الله همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند. رادیکالیسم اسلامی، به ویژه دکتربین سلفی و وهابی مستقر در عربستان، از اوایل دهه ۱۹۹۰ جنبه برجسته دولت سعودی بوده است. این آموزه که توسط



متکلم محمد بن عبدالوهاب ایجاد شده است، از جهاد علیه دشمنان تصور شده از نام اسلام آن‌ها دفاع می‌کند. برخلاف اسلام سنی، وهابیت سلفی، جهاد را یک اصل اساسی می‌داند و به دنبال تبلیغ برای گسترش این دکتربین در سطح جهانی است. طالبان، القاعده، داعش و گروه‌های وابسته، خشونت‌آمیزترین مظاهر وهابیت سلفی بوده‌اند که اقدامات تروریستی متعددی را علیه دشمنان خود

مرتکب شده‌اند.

اخوان المسلمین در مصر در سال ۱۹۲۸ پیشروی اسلام سیاسی جهانی بود که هدف آن تبدیل جامعه مصر به یک سیاست اخلاقی مسلمان بود. این احزاب از تغییرات سیاسی تدریجی، شرکت مسالمت‌آمیز در انتخابات ملی و رسیدگی به فقر، گرسنگی، بیماری، بیکاری و ناامیدی جوانان حمایت کردند. حماس و حزب‌الله، دو حزب اسلامی

منطقه خاص هستند و در واکنش به اشغال فلسطین و لبنان توسط اسرائیل، تأسیس شدند. به‌رغم هزاران کشته، رهبران آن‌ها به مبارزه خود علیه اسرائیل تا رسیدن به اهداف ملی‌گرایانه خود، به‌رغم جهت‌گیری‌های مذهبی متفاوت، ادامه می‌دهند.

تلاش‌های دولت آمریکا در تعامل با مسلمانان در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بر اساس برنامه‌های ایجاد شغل و نگرانی‌ها و معیشت و ضروریات بود، اما با این حال، بسیاری از برنامه‌های آنان پس از ۱۱ سپتامبر محدود شد. با وجود این، واشنگتن برخی از احزاب جریان اصلی اسلامی را از طریق دیپلماسی، تأمین مالی برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی و تشویق جهت‌گیری‌های دموکراتیک درگیر کرده است. دولت آینده ترامپ باید به دلایل ریشه‌ای رسیدگی کند و امید را برای کشورهای مسلمان و آمریکا تقویت کند.

<https://shorturl.at/CtRYV>

سوریه هرگز به اسرائیل اهمیت نداده است

فارن پالیسی
آنچال وورا |

شاید بدترین راز پنهان شده دولت سوریه، بهره‌برداری از آرمان فلسطین بوده است.

در آغاز درگیری اسرائیل و حماس در ماه اکتبر سال گذشته، در حالی که برخی گمان می‌کردند سوریه می‌تواند به جنگ علیه اسرائیل بپیوندد و جبهه دیگری بگشاید، هیچ یک از سوریه‌هایی که من با آن‌ها در تماس بودم، باور نداشتند که بشمار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، یکی از طرفین درگیری خواهد شد.

اسد چندین دلیل دیگر برای دور ماندن از درگیری دارد. او امیدوار است که به خاطر خویشتن‌داری اش پاداش دریافت کند و حداقل غرب را نسبت به احتمال کاهش تحریم‌ها نرم‌کنند زیرا خود را در کنار امارات قرار می‌دهد، بازگیری کلیدی در احیای دولت اسد که خود روابط با اسرائیل را تحت «پیمان آبراهام» عادی‌سازی کرد. چند روز پس از حمله حماس



در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، اکسیوس گزارش داد که امارات به اسد هشدار داده است که درگیر جنگ نشود. در حالی که اسد نمی‌تواند مستقیماً ایرانی‌ها را بیرون کند و به نظر می‌رسد از حمایتی که آن‌ها در زمان جنگ به دولت‌ش ارائه کردند ناسپاس است، به نظر می‌رسد اسرائیل دستش برای بمباران دارایی‌های ایران و ترور ژنرال‌هایش در داخل سوریه باز بوده است. این فرمان، معاون سابق مشاور امنیت ملی

اسرائیل گفت: «ما با روسیه تفاهم داشتیم که آنچه را که باید انجام دهیم» در حریم هوایی سوریه انجام خواهیم داد. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که ایران نیروهای خود را از جنوب سوریه، مرکز نیروهای نیابتی ایران که عمدتاً حزب‌الله هستند خارج کرده است تا با بازگشت نیروهای روسی به منطقه «در ظاهر، برای جلوگیری از سرایت خشونت از اسرائیل به سوریه، خسارات خود را کاهش دهد.» پایگاه‌های روسیه پس

از ترور ژنرال‌های بلندپایه ایرانی در سوریه توسط اسرائیل در ماه آوریل ایجاد شد که منجر به نگرانی‌هایی در مورد گسترش جنگ به سوریه شد. اسد خود را در موقعیتی قرار داده است که حتی ایران و حزب‌الله نیز برای او فضا فراهم کرده‌اند تا از جنگ دور بماند. کارشناسان می‌گویند ایران تنها در صورتی می‌تواند اهرم فشاری بر سوریه اعمال کند که دولت فعلی دوام بیاورد.

is.gd/xNWxcp

دونالد ترامپ در مقابل نخبگان و اشنگتن



بسیار پیچیده است و نمی‌توان آن را به هک‌های حزبی در هر دو طرف معادله سیاسی واگذار کرد.

ما ممکن است بخواهیم این دیدگاه مثبت را داشته باشیم که همان طور که از طریق ناشناخته بودن زندگی کردیم، از این طریق نیز زندگی خواهیم کرد. اما این تضمینی نیست.

افراد اصول‌گرا در هر دو حزب باید با اطمینان از اینکه ماتوصیه‌های متخصص مقامات کابینه داریم که به این ایده احترام می‌گذارند، بر حفظ امنیت آمریکایی‌ها تمرکز کنند.

در این میان، دموکرات‌ها وظیفه ویژه‌ای دارند و آن تغییر جهت دادن به خود است. آن‌ها باید به ریشه‌های خود بازگردند، زمانی که برای آمریکایی‌های طبقه کارگر صحبت می‌کردند، به جای اینکه آن‌ها را مانند امروز از خود بیگانه کنند. نقطه شروع، درک واقعی لیبرال از «شمولیت» است که شامل سفیدپوستان مبارز و همچنین اقلیت‌های در حال مبارزه می‌شود.

سپس دموکرات‌ها باید به مهم‌ترین مشکلی که با آن روبرو هستیم، یعنی ۴۰ سال افزایش نابرابری درآمد، حمله کنند. امروز، مانند سایر زمان‌های تاریخ، کم‌رنگ شدن امیدها مردم را به شورش وادار می‌کند. افزایش انتظارات به کارشناسان حقیقت‌یاب فرصت بیشتری می‌دهد تا به بهتر شدن اوضاع کشور کمک کنند.

<https://B2n.ir/q98514>

حداقل، طعنه‌آمیز است. ترامپ یک پلوتوکرات است، اگر تا به حال وجود داشته باشد. او بایک قاشق طلا در دهان به دنیا آمد. او به این می‌بالد که به مدرسه کسب و کار نخبگان وارتون در دانشگاه پنسیلوانیا رفته است. معاون او، استیو بن‌یاغی دارای مدرک MBA در هاروارد است و میلیون‌ها دلار به‌عنوان یک بانکدار سرمایه‌گذاری در گلدمن ساکس و جاهای دیگر به دست آورده است. ایلان ماسک ثروتمندترین مرد جهان است. رابرت کندی جونیور فرزند یک سلسله سیاسی ثروتمند است.

پیروان ترامپ از کارهایی که او برای آن‌ها انجام می‌دهد ناامید خواهند شد. احتمال اینکه دولت او مالیات ثروتمندان را کاهش دهد بسیار بیشتر از معافیت انعام از مالیات است. ما نیاز فوری به حل بحران مهاجرت داریم، اما نه با اخراج دسته جمعی، که اگر نگوییم بی‌رحمانه تورم‌زا خواهد بود. افزایش تعرفه‌ها بر واردات که قیمت‌ها را نیز افزایش می‌دهد به میلیون‌ها آسیبی نمی‌رساند بلکه برای فقرا که در حاشیه زندگی می‌کنند صدمه می‌زند.

هزینه‌های تحقیر نظر کارشناسان و نادیده گرفتن فرآیندهای تثبیت شده برای دولت منظم برای آمریکایی‌های MAGA و سایرین مضر خواهد بود. آمریکایی‌های محروم ممکن است ایده تغییرات سریع و فوق قانونی را دوست داشته باشند. اما، چه خواهیم چه نخواهیم، مشکلات پیش روی کشور

نخبگان لیبرال بخش اعظمی از این را بر خود تحمیل کرده‌اند، در حالی که دموکرات‌ها در انتخابات اخیر شکست خوردند، زیرا دستور کارشان با احساسات آمریکایی‌های طبقه کارگر معمولی ارتباط نداشت. کم کردن بودجه پلیس یک راه پوچ برای رأی دهندگان دادگاه است و اکثر مردم استفاده از دلارهای مالیاتی برای پرداخت هزینه عملیات تغییر جنسیت برای زندانیان را پوچ می‌دانند. لیبرالیستی بسیاری از چپ‌ها و اولویت دادن آن‌ها به سیاست هویتی بر نیازهای توده بزرگ آمریکایی‌هایی که در حال مبارزه هستند، چیز جدیدی نیست.

افزایش شدید احساسات ضد مهاجرتی در دهه ۱۸۴۰ باعث پیدایش حزب «Nothing» شد. (این نام اشاره‌ای بود به دستوری مبنی بر اینکه اعضای گفتند چیزی در مورد سازمان‌های مخفی بومی خود نمی‌دانند.) خصومت با نخبگان دولتی با جنبش پوپولیستی در پایان قرن نوزدهم دوباره ظاهر شد. هر دو جنبش واکنشی به ناامنی اقتصادی و ظهور تهدیدات فرهنگی ناشی از تغییرات جمعیتی بود.

در هر مورد، این واکنش‌ها کاهش یافت. درک مشترکی که در ذیل آن عقل سلیم دارد، این بوده است که یک جامعه دموکراتیک باید نظرات زیادی داشته باشد اما بدون حقیقت‌یاب‌های حرفه‌ای نمی‌تواند عمل کند. در غیر این صورت مردم چگونه به اجماع می‌رسند؟ موضع ضد نخبه‌گرایی ترامپ و حامیان‌ش،

ریل کلیر پالیتیکس جان مکسول همیلتون |

دومین دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ را می‌توان به‌عنوان یک شورش علیه نخبگان تلقی کرد و تأثیرات تعدیل‌کننده را در هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه به حاشیه برد. سخنان ترامپ حول محور سوء ظن است که کارشناسان نخبه در حال اداره و تبااهی زندگی آمریکایی‌ها هستند. او ادعا می‌کند که بیشتر از ژنرال‌ها در مورد ارتش می‌داند، از اقتصاددانان آموزش دیده فدرال رزرو برای تعیین نرخ بهره مجهزتر است و بیش از هر کس دیگری در مورد زیرساخت‌ها می‌داند. ترامپ، رابرت اف کندی جونیور، مخالف واکسن را برای ریاست وزارت بهداشت و خدمات انسانی معرفی می‌کند و استدلال می‌کند که کارشناسان سازمان غذا و دارو را اخراج می‌کند که مانع فروش شیر خام می‌شوند.

هدف ترامپ از مهندسی مجدد دولت فدرال ناشی از این ایده است که وفاداران سیاسی بهترین تجهیزات را برای حل مشکلات ملی دارند. بیت‌هگرتز مجری فاکس نیوز در صف وزیر دفاع است، اما هیچ تجربه‌ای ندارد که او را واجد شرایط اداره بخش ۳ میلیون نفری کند. مت‌گیتز، نامزد آتش‌نشان فلوریدا، برای دادستان کل نامزد شده است، اما درست پیش از گزارش کمیته اخلاق مجلس در مورد تحقیق درباره اتهامات جنسی با یک خردسال، از کرسی مجلس نمایندگان استعفا داد.

ترامپ، پایان امپراتوری آمریکا است؟!

سورین

افول آمریکا

مؤسسه مطالعات سورین
روزنامه



بلکه آن‌ها را متوقف می‌کند»، صعود مجدد او احتمالاً آشفتگی بیشتری را در جهان نشان می‌دهد. درست است که آسیب‌ناپذیری سیاسی ترامپ ممکن است به او اجازه دهد که در سیاست خارجی حرکت‌های بزرگی انجام دهد؛ از پرورش دیپلماسی شخصی با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی و ولادیمیر پوتین، تا گسترش فضای دیپلماتیک اسرائیل، همگی مواردی است که می‌تواند در مسیر دیپلماسی ترامپ باشد، اما ترامپ از تحریک دیگران لذت می‌برد. اعتماد او به اینکه می‌تواند با کاشتن ترس از جنگ جلوگیری کند، ناپجا است و احتمالاً نتیجه معکوس خواهد داشت. تثبیت متوسط روابط آمریکا و چین توسط بایدن بعید به نظر می‌رسد و تایوان در دستان ترامپ بسیار داغ است.

پیامدهای اقتصادی دوره ترامپ البته قابل توجه خواهد بود، به ویژه برای آسیا، جهانی‌ترین بخش سیستم تجارت بین‌المللی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. کتاب بازی در اینجا آشناست و حول تعرفه‌ها و مذاکرات دوجانبه برای افزایش صادرات آمریکا می‌چرخد. مشخص نیست که این استراتژی چقدر فضا برای اجرا در ترامپ دوم دارد، اما دولت وی ممکن است از سرمایه‌گذاری خارجی در آمریکا استقبال بیشتری کند که می‌تواند فشار بر تجارت را برای برخی کشورها یا بخش‌ها کاهش دهد.

انتظار می‌رود که اقتصاد آمریکا و چین به دلیل افزایش تعرفه‌ها، کنترل‌های صادرات و تحریم‌ها، قطع ارتباط شدیدی را تجربه کنند که منجر به تجزیه جهانی، افزایش هزینه‌ها و رشد کندتر شود. کسب و کارها در حال تدوین استراتژی برای تعدیل هستند و بسیاری از کشورهای آسیایی در حال طراحی استراتژی‌های پوشش اقتصادی هستند. انتقال به دنیای پس از صلح آمریکایی در حال انجام است. شرکای آمریکا در آسیا باید همکاری امنیتی شبکه‌ای و یکپارچگی منطقه‌ای را برای کاهش اثرات منفی جهانی شدن دنبال کنند.

<https://shorturl.at/2BWv5>

اوکراین و سایر درگیری‌ها به این تصور کمک کرد که تعهدات آمریکا اختیاری است، این همان «کلاهبرداری‌هایی» که توسط نخبگان غیرقابل لمس انجام می‌شود. کسانی که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند و بسیاری از ساکنان آمریکا ممکن است این مسائل را متفاوت ببینند، اما رأی نمی‌دهند یا به اندازه کافی رأی نخواهند داد.

ترامپ، و قطعاً تیم امنیت ملی او، قدرت‌دان اینک برای از بین بردن هژمونی جهانی به قدرت رسیده‌اند نیستند، اما معامله‌گرایی قلندرانه ترامپ، بیزاری او از تعهد، تمایل او به تعرفه‌ها و بی‌تفاوتی کامل نسبت به تأثیر بالقوه‌ای که آمریکا بر سایر کشورها می‌گذارد نشان می‌دهد.

بدیهی است که آسیب‌های دائمی به سازمان ملل متحد، نهادهای اقتصادی بین‌المللی، سازمان‌های چندجانبه‌ای که آمریکا در آن‌ها عضویت دارد و هرگونه تلاش بین‌المللی برای مبارزه با چالش‌های فراملی وارد خواهد شد. این انحلال در اولین دوره او آغاز شد و پس از چهار سال آینده غیرقابل برگشت خواهد بود. اما نگران کننده‌تر از این مرگ خاموش و تدریجی در سقوط امپراتوری آمریکا، منصوبان امنیت ملی ترامپ است که پیامی را رأی دهندگان ترامپ برایشان ارسال کرده‌اند، نخواستند پذیرفت. آن‌ها از طریق استقرار نظامی تحت عنوان «بازدارندگی» به اولویت آمریکا خواهند چسبید و زور را در اولویت خود قرار می‌دهند.

شرکای آسیایی باید از برخورد میان معامله‌گرایانه ترامپ و رؤیاهای تبار تیم امنیت ملی او دوری کنند. این بدان معنی است که متحدان، به ویژه آن‌هایی که در اقیانوس آرام هستند، احتمالاً نمی‌توانند به حمایت امنیتی آمریکا ادامه دهند، تازمانی که بتوانند نشان دهند که سوار آزاد نیستند. این پیامدهایی برای تأمین مالی ژاپن برای افزایش بودجه دفاعی، اصلاحات دفاعی تایوان و افزایش مشارکت سایر شرکا در دفاع خود (از جمله خرید سیستم‌های تسلیحاتی آمریکا از طریق معاملاتی مانند AUKUS) دارد.

به‌رغم ادعای ترامپ مبنی بر اینکه «جنگ‌ها را آغاز نمی‌کند،

ایست آسیا فراموش سوزان تورنتون

بسیاری در سراسر جهان ممکن است به شوخی بگویند که باید به آن‌ها اجازه داده شود در انتخابات آمریکا رأی دهند، زیرا نتایج به همان اندازه روی آن‌ها تأثیر می‌گذارد که روی کسانی که در آمریکا زندگی می‌کنند تأثیر می‌گذارد. اقدامات یک ابرقدرت تک‌قطبی در سراسر جهان طنین انداز می‌شود و سایر کشورها مجبور به پاسخگویی هستند.

امارآی دهندگان آمریکایی تقریباً هرگز بر اساس رویدادهایی که در جهان اتفاق می‌افتد، در مورد مسائل سیاست خارجی یا حتی چیزهایی که ممکن است بر نسل‌های آینده در داخل کشور تأثیر بگذارد، رأی نمی‌دهند. رأی دادن یک انگیزه احساسی و لحظه آخری است. در زمان‌هایی که در باره نقش‌ها و مسئولیت‌های جهانی آمریکا اتفاق نظر وجود داشت، اتهامات انتخابات تغییر چندانی در رویکرد آمریکا به جهان ایجاد نکرد، اما زمانه تغییر کرده است.

انتخاب دونالد ترامپ برای دومین دوره ریاست جمهوری نشان دهنده تغییر اساسی در روابط آمریکا با جهان است. برخلاف دیگر امپراتوری‌ها که در یک دوره طولانی به آرامی از هم پاشیدند، آمریکایی‌ها خودشان تصمیم گرفته‌اند دیگر نمی‌خواهند بارها و مزاحمت‌های هژمونی جهانی را تحمل کنند.

آمریکایی‌ها دیگر به وعده و کارآمدی سیستم نهادی خود اطمینان ندارند، آن‌ها تعهد پاسخگویی به هشدارهای آتش‌سوزی جهان را رد می‌کنند، از تحمل هزینه‌های امنیت جهانی خسته شده‌اند و به وضوح می‌بینند که دولت‌های از یقه آمریکا آویزان هستند. رأی دهندگان آمریکا همواره در رد نقش «پلیس جهانی» از سیاستمداران خود جلوتر بوده‌اند. ادعای دولت بایدن مبنی بر اینکه هزینه‌هایی که آمریکا در این تلاش‌ها متحمل می‌شود بیش از داشتن دوستان جهانی و حفظ جنگ‌ها برای غلبه بر شک‌ها و ناوضیاتی‌های آزادنده کافی نیست. بازی‌های سیاسی بر سر حمایت از

محور تاب آوری!



فازن افزز رناد منصورا

در پاسخ به حمله حماس در ۱۷ اکتبر سال گذشته، اسرائیل یک جنگ منطقه‌ای را با هدف تغییر شکل غرب آسیا آغاز کرد. اسرائیل به طور مشخص محور مقاومت را هدف قرار داد، شبکه‌ای از گروه‌های متحد با ایران که شامل حماس در غزه، حزب الله لبنان، حوثی‌ها در یمن، حکومت بشار اسد در سوریه و بخش‌هایی از نیروهای حشد الشعبی [PMF] در عراق می‌شود. اسرائیل با کار بر روی مقیاسی که تلاش‌های قبلی علیه این محور را نادیده می‌گیرد، یک سال گذشته را در تلاش برای از بین بردن زیرساخت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، لجستیکی و ارتباطی شبکه صرف کرده است. همچنین دست به کارزار بی سابقه‌ای علیه رهبری این محور زده و رهبران حماس و حزب الله و چندین فرمانده ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را ترور کرده است.

محور مقاومت که امروزه وجود دارد با شبکه‌های که در ابتدای دهه ۱۹۸۰ تأسیس شد تفاوت چشمگیری دارد. در آن زمان، جمهوری اسلامی نوپای ایران، حزب الله لبنان را به عنوان ابزاری برای قدرت‌نمایی تأسیس کرد و آن را پرورش داد. هدف آن «صدر انقلاب» و به

کارگیری «دفاع پیشرو» از طریق بازدارندگی نامتقارن در برابر تهدیدات محسوس، یعنی اسرائیل بود. ایران به طور استراتژیک این مدل را در کشورهای مختلف تکرار کرد. به عنوان مثال، ایران تقریباً هم‌زمان با تأسیس حزب الله، گروه‌های شیعی عراقی مانند «سپاه بدر» را تأسیس کرد که در سرنگونی رژیم صدام حسین، رئیس جمهور عراق و به دست گرفتن قدرت در این کشور پس از سال ۲۰۰۳، نقش داشت. در دهه ۱۹۹۰، ایران گروه‌های فلسطینی مانند جهاد اسلامی فلسطین [PIJ] و حماس را تقویت و از این طریق به افزایش نفوذ آن‌ها کمک کرد و پس از خیزش‌های عربی در سال ۲۰۱۱، ایران حمایت خود را از اسد در سوریه و حوثی‌ها در یمن گسترش داد و شبکه منطقه‌ای خود را بیشتر تقویت کرد.

طول سال گذشته، آن‌ها هم خودمختاری و هم نفوذ منطقه‌ای خود را عمیق‌تر کرده‌اند. اسرائیل البته ماهیت فراملی محور مقاومت را درک می‌کند. دقیقاً به دلیل همین درک است که دولت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، استراتژی جنگ کامل خود را در پاسخ به ۱۷ اکتبر آغاز کرد. استراتژی‌ای که شامل حملاتی با شدت‌های متفاوت نه تنها علیه حماس، بلکه علیه حزب الله، ایران، حکومت اسد و سایر اعضای محور می‌شود. با این حال، اقدامات این رژیم در سال گذشته نشان می‌دهد که اسرائیل به‌طور استراتژیک انعطاف‌پذیری شبکه و میزانی را که راه حل نظامی، حتی راه حلی که توسط قوانین بین‌المللی محدود نشده، می‌تواند باعث ایجاد تغییرات اجتماعی در سایر کشورها شود، دست کم گرفته است. سال گذشته ثابت کرد که این شبکه تا حد قابل توجهی، هنوز هم می‌تواند خود را با چالش‌های نظامی و اقتصادی وفق دهد. در حالی که بسیاری از گروه‌های عضو آن در طول این دوره از درگیری‌های شدید، زیرزمینی باقی خواهند ماند، با این وجود به حمایت داخلی، سایر اعضای شبکه در سراسر منطقه و متحدان جهانی مانند روسیه و چین ادامه خواهند داد. is.gd/ZWL7q0

سایر حوزه‌ها

فازن پالیسی

موج جدید دیپلماسی

در آستانه تغییر دولت در آمریکا

انتقال قدرت در آمریکا موجی از تحولات دیپلماتیک در سطح بین‌المللی به راه انداخته است. ترامپ پس از پیروزی در انتخابات ۲۰۲۴، تاکنون با حدود ۷۰ رهبر جهان گفت‌وگو کرده است. در میان این تماس‌ها می‌توان به گفت‌وگو با ویکتور اوربان، بنیامین نتانیاهو و ولودیمیر زلنسکی اشاره کرد. نتانیاهو اعلام کرده که سه بار با ترامپ درباره تهدیدات ایران گفت‌وگو داشته است. همچنین زلنسکی در تماسی ۲۵ دقیقه‌ای، در پی روشن شدن موضع آمریکا در قبال اوکراین بوده است، به‌ویژه با توجه به وعده ترامپ مبنی بر پایان دادن به جنگ با روسیه. در همین حال، دولت جو بایدن در آخرین ماه‌های خود، در تلاش است کمکی ۹ میلیارد دلاری به اوکراین ارسال نموده و روی توافق آتش بس در لبنان کار کند. دولت بایدن تاکنون بیش از ۱۱۳ میلیارد دلار به اوکراین و ۱۴٫۳ میلیارد دلار به اسرائیل از زمان آغاز درگیری‌ها کمک کرده است. رویکرد غیررسمی ترامپ، از جمله مشارکت دادن ایلان ماسک در تماس‌های دیپلماتیک، در تضاد آشکار با دیپلماسی بایدن قرار دارد.

ibit.ly/jX6Kl

پولیتیکو

هشدار به اتحادیه اروپا درباره

جنگ تعرفه‌های دولت ترامپ

به رهبران اتحادیه اروپا هشدار داده شده است خود را برای اقدامات تعرفه‌ای کالاهای صادراتی ترامپ آماده کنند. ترامپ که عدم توازن تجاری با اروپا را ناعادلانه می‌داند، انتقادهای تنیدی را متوجه تعرفه ۱۰ درصدی اتحادیه اروپا بر خودروهای مسافری و تعرفه ۱۱٫۳ درصدی بر محصولات کشاورزی کرده است. تعرفه‌های آمریکا در این بخش‌ها به ترتیب ۲٫۵ و ۴٫۸ درصد است. کسری تجاری آمریکا با اتحادیه اروپا به شدت افزایش یافته و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۴ به ۲۳۰ میلیارد دلار برسد. این موضوع موضع سختگیرانه ترامپ را تقویت کرده است. طبق گزارش، ترامپ می‌تواند تعرفه‌ای تا ۲۰ درصد بر واردات آمریکا اعمال کند که احتمالاً بر حدود ۵۷۵ میلیارد دلار کالا، شامل دارو، ماشین‌آلات و خودرو تأثیر بگذارد. به مقامات اتحادیه اروپا توصیه شده رهبردهای تلافی جویانه را آماده کنند، اما به نظر می‌رسد آن‌ها رویکردی محتاطانه‌تر در پیش خواهند گرفت.

ibit.ly/9aGeQ

آینده چین با کاخ سفید جدید



فان بالیسی
جیمز بالمر

نکات مهم این هفته: سؤالاتی در مورد سیاست دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا در مورد چین باقی مانده است، مقامات چینی یک جنبش خودجوش دوچرخه سواری در شب را تعطیل کردند و تایوان به دنبال جلب رضایت کاخ سفید بعدی برای بستن قرارداد تسلیحاتی است. در حالی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا، خود را برای بازگشت به کاخ سفید آماده می کند، واضح است که سیاست سخت گیرانه تری برای چین در راه است، اما شکلی که به خود خواهد گرفت و محدودیت های آن هنوز مشخص نیست. در حال حاضر چند سؤال بزرگ و دودستگی در محافل اطراف ترامپ پدیدار شده است. دولت دوم ترامپ باید بپرسد: آیا می توان سیاست چین را با نیازهای اقتصادی داخلی خود تطبیق داد؟ تعرفه ها مطمئن ترین سیاست هستند و این امکان وجود دارد که رابرت لایتیزر، به عنوان نماینده تجاری آمریکا بازگردد. برخی از مشاوران جمهوری خواه به دنبال جدایی کامل از چین هستند که بزرگ ترین تأمین کننده کالا به آمریکا و سومین خریدار بزرگ آن است.

دوچرخه سواری بزرگ چین، هفته گذشته، ده ها هزار دانش آموز به یک گرایش دوچرخه سواری شبانه پیوستند. از ژنگزو به کایفنگ، در مسافتی حدود ۴۰ مایل سفر کردند تا اینکه مقامات برای تعطیل کردن آن وارد عمل شدند. این نمونه ای بارز از این است که چگونه طرز فکر رسمی چین می تواند شادی خود به خود را به یک مشکل سیاسی تبدیل کند. دوچرخه سواری پس از سال ها محدودیت در طول همه گیری کرونا، امسال در میان دانش آموزان چینی دوباره احیا شده است. در ماه ژوئن، چهار دانش آموز سواری مسیر ژنگزو به کایفنگ را در یک اقدام شوخی

برای لذت بردن از کوفته سوپ کایفنگ تکمیل کردند. دیگران به زودی شروع به تقلید از آن کردند و تعداد آن ها در آخر هفته گذشته به بیش از ۱۰۰ هزار افزایش یافت. فروش تسلیحات تایوان طبق گزارش ها، دولت لای چینگ ته، رئیس جمهور تایوان، قبل از تلاش برای جلب رضایت بانظم جدید در واشنگتن، وقت خود را تلف نکرد یا همان قرارداد تسلیحاتی که می تواند شامل ۱۵ میلیارد دلار تجهیزات آمریکایی باشد. فهرستی که بر اساس گزارش ها شامل ۶۰ جت لاکهید مارتین اف-۳۵ لایتنینگ ۲، یک ناوشکن ایجیس و ۴۰۰ موشک پاتریوت است، به دلیل توجه بیشتر به نیازهای

آمریکان نسبت به اولویت های دفاعی تایوان، انتقادات فوری را برانگیخت. نیروی هوایی تایوان بزرگ و از نظر سیاسی با نفوذ است، اما در هر گونه درگیری با چین به سرعت در معرض خطر قرار خواهد گرفت. تماس های مکرری از سوی کارشناسان نظامی آمریکا برای حرکت به سمت یک نیروی پراکنده تر و مبتنی بر پهپاد وجود دارد؛ اما تا پیه ممکن است خرید از واشنگتن را خریدی با ارزش بیشتر بدانند.

کلاهبرداری بیمه ای؟ مقامات چینی ضربه دیگری به گول املاک سقوط کرده «گروه اورگرند» وارد کردند: چندین مدیر ارشد سابق شعبه بیمه آن احتمالاً در بحبوحه تحقیقات در مورد سوء مدیریت مالی با زداشت شده اند. بیمه عمر «گروه اورگرند» با حدود ۳۱٫۸ میلیارد دلار دارایی در میان شرکت های برتر بیمه عمر در چین قرار داشت.

این تحقیقات احتمالاً بخشی از یک سرکوب گسترده تر است که توسط اتهامات کلاهبرداری بیمه ای گسترده علیه داروساز آسترانکا آغاز شده است. رئیس چینی این شرکت با زداشت شده است و ده ها تن از مدیران ارشد تحت بازجویی قرار دارند.

is.gd/OV8rVE

یورونیوز

هدف قرار گرفتن زیرساخت های انرژی اوکراین در حملات هوایی روسیه

به گفته مقامات اوکراینی، شبکه انرژی و زیرساخت های بسیار شکننده این کشور بر اثر جنگ روز یکشنبه بار دیگر هدف یکی از بزرگ ترین حملات هوایی روسیه قرار گرفت. به گزارش رسانه های محلی و تأیید مقامات اوکراینی این حملات در سراسر کشور تاکنون دست کم ۲ کشته و حدود ۱۰ مجروح به جا گذاشته است.

ژرمن گالوشچنکو، وزیر انرژی اوکراین، هم زمان با این تهاجم هوایی اعلام کرد که «حمله گسترده ای به سیستم انرژی کشور در حال انجام است.»

وی افزود که نیروهای ارتش روسیه زیرساخت ها و تأسیسات تولید و انتقال برق در سراسر اوکراین را هدف قرار گرفته اند.

به گفته مقامات دولتی در کی یف، مسکو با افزایش حملات پهپادی و موشکی خود، نیمی از ظرفیت انرژی اوکراین را از بین برده است.

دِتک، اپراتور انرژی اوکراین نیز یادآور شد که در پی حملات روسیه، برخی از نیروگاه ها حرارتی این کشور «به طور جدی آسیب دیده اند»؛ حمله به این دسته از نیروگاه ها ظاهراً تلفات جانی به همراه نداشته است.

ibit.ly/jR19-

سایر خبرها

آلان تیک

واکنش جمهوری خواهان به انتخاب های جنجالی ترامپ

انتخاب های غیرمتعارف ترامپ برای تصدی پست های کلیدی کابینه، موجی از نگرانی را در میان جمهوری خواهان برانگیخته است. ترامپ در اقدامی بحث برانگیز، پیت هگزت، مجری شبکه فاکس نیوز را برای وزارت دفاع، تولسی گابارد، نماینده سابق دموکرات ها را برای ریاست اطلاعات ملی و مت گانتز، نماینده مجلس را برای دادستانی کل نامزد کرده است. این در حالی است که گانتز همچنان با تحقیقات کمیته اخلاق مجلس نمایندگان درباره سوء رفتار جنسی روبروست.

واکنش سناتورهای جمهوری خواه به این انتصاب ها متفاوت بوده است. جان کورنین، سناتور تگزاس با پوزخندی آشکار به این خبر واکنش نشان داده و برخی سناتورهای گفت و گوهای خصوصی اعلام کرده اند که تأیید گانتز در سنای بعید به نظر می رسد. با این حال، مخالفت های علنی محدود بوده است. سناتور مارک وین مالین اعلام کرده به تصمیم ترامپ اعتماد دارد و لیندسی گراهام از هم حزبی های خود خواسته «به مت فرصتی بدهند.» تحلیل گران معتقدند تسلط ترامپ بر حزب جمهوری خواه، قانون گذاران را تحت فشار قرار می دهد تا با تصمیمات او همراهی کنند.

ibit.ly/VyFyq

گلوگاه مهمی برای غرب



زمینه‌ها پیش می‌رود، اما در قفقاز جنوبی نادیده گرفتن منافع و مواضع آشکاری را باروسیه دارد.»

ارمنستان وجود هر مسیری در قلمرو خود را که تحت کنترلش نیست، رد می‌کند. ایران نیز از مسدود شدن مرز شمالی خود مخالف است. زمانی که وزیر امور خارجه روسیه در ماه آگوست از ارمنستان خواست تا این کریدور را ببندد، ایران در اعتراض به این امر سفیر روسیه را احضار کرد و نمایش نادری از اختلاف بین مسکو و تهران را نشان داد.

ایران و روسیه در غرب آسیا ناهماهنگ هستند و پوتین تلاش می‌کند روسیه را به عنوان میانجی بین اسرائیل و ایران قرار دهد. با این حال، مقامات مسکو اصرار دارند که دو کشور در مخالفت با هژمونی غرب متحد بمانند. آذربایجان به دنبال صلح و مهار تنش با ایران است که پس از حمله به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران در سال گذشته شدت گرفت.

کشورهای اروپایی عمل متعادل کننده خود را دارند. رهبران شورای اروپا به رگم نگرانی‌های حقوق بشری شان روابط خود را با آذربایجان تعمیق بخشیده‌اند، زیرا این کشور غنی از نفت و گاز برای انرژی روسیه است. آن‌ها همچنین اهمیت این کشور را برای اسرائیل که بخش اعظم نفت خود را از آذربایجان می‌گیرد، بسیاری جدی می‌گیرند.

<https://tinyurl.com/2b5ukccz>

آذربایجان را جسورتر کند. اگر درگیری کنونی بین ایران و اسرائیل که به دلیل جنگ غزه و لبنان است، به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شود، آن‌ها همچنین نگرانند که تهران کمتر بتواند از ارمنستان محافظت کند.

تا همین اواخر، بسیاری از ارامنه روسیه را ضامن خود می‌دیدند. روسیه در جریان نسل‌کشی ارامنه یک قرن پیش پناهگاهی بود. پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، روسیه یک پایگاه نظامی در ارمنستان و نگهبانانی در مرزهایش داشت.

اما بعد آنکه روسیه به اوکراین حمله کرد در قفقاز ضعیف شد. هنگامی که آذربایجان سال گذشته بار دیگر به قره‌باغ حمله کرد، نیروهای روسیه در کنار آن ایستادند و بعداً خاک آن منطقه را ترک کردند.

آخرین دور تنش‌ها بر سر آینده منطقه حول نوار باریکی از ارمنستان، استان سیونیک، می‌چرخد که از جنوب به مرز ایران می‌رسد.

در حال حاضر این جاده یک مسیر کلیدی در شمال خلیج فارس و برای صادرات کالاهای ایرانی به روسیه و اروپا است، اما این همان جایی است که روسیه و آذربایجان می‌خواهند یک مسیر شرقی غربی به سمت ترکیه ایجاد کنند که خارج از کنترل ارمنستان باشد.

آلن شادونتنس، متخصص ایران در دانشگاه آمریکایی ارمنستان، گفت: «این وضعیت کاملاً عجیبی است. ایران از یک سو به سمت مشارکت راهبردی با روسیه در سایر

ارمنستان، دموکراسی اکثریت مسیحی، در مرکز رقابت روسیه و ایران قرار دارد. همچنین از دورنمای جنگ مجدد با دشمن اصلی خود، آذربایجان است که در صحنه بزرگی در جهان قدم برمی‌دارد.

در سال گذشته، ارمنستان به ایران، همسایه جنوبی خود، به عنوان ضامن اصلی حاکمیت خود نگاه کرده است، در حالی که آذربایجان، یک حکومت مطلقه سکولار با اکثریت مسلمان، در حال تعمیق روابط نظامی با دشمن ایران، اسرائیل است.

روسیه در حال رقابت برای مهار نفوذ رو به گسترش ایران در ارمنستان است و چهارراه تجاری مسکو باید جایگزین واردات غرب شود. برخی از کشورهای غربی که در حال حاضر در تضاد با ایران هستند، منافع خود را در قفقاز برای جلوگیری از جنگ و کاهش نفوذ روسیه، با منافع تهران همسو می‌بینند.

مارکوس ریتر، که ریاست یک هیئت اتحادیه اروپا برای نظارت بر مرزهای ارمنستان را بر عهده دارد، گفت که ایرانی‌ها «اینجا در منطقه هستند، بهترین دوستان ارامنه نیز محسوب می‌شوند». به گفته وی، در حالی که روسیه و آذربایجان در برابر حضور اروپایی‌ها مقاومت می‌کنند، به نظر می‌رسد ایران آن را می‌پذیرد.

موضوع بسیار پیچیده است، ارمنی‌ها می‌ترسند که در ریاست جمهوری آینده ترامپ، سیاست خشن تر آمریکا در قبال ایران، علیه کشورشان کمانه کرده و

نیویورک تا بزم آنتون ترویانوسکی / امیل داک

مرز بین ایران و ارمنستان، یک نوار ۳۰ مایلی که نقطه محوری یک تغییر ژئوپلیتیکی است. اینجا در قفقاز، منطقه کوهستانی که در آن اروپا با آسیا ملاقات می‌کند، روسیه و ایران به شدت به عنوان رقیب یکدیگر دیده می‌شوند، این در حالی است که کشورهای غربی در کمال تعجب دلایل مشترکی برای پیوند با تهران پیدا می‌کنند.

در میانه راه در امتداد مرز باریک ارمنستان با ایران، ایستگاه متروک دوران شوروی قرار دارد، جایی که واگن‌های زنگ زده قطار در میان علف‌های هرز بیخ زده‌اند. این خط نماد قفقازی است که زمانی به هم پیوسته تحت حاکمیت شوروی بود و یادآور نقطه محوری منطقه‌ای است که این منطقه هنوز آن را در پی دارد.

این گره پیچیده و چند کشوری از منافع و تأثیرات مختلف، خرد متعارف غربی در مورد اتحادها را به چالش می‌کشد و می‌تواند بار دیگر با انتخاب مجدد ترامپ این مرزها را از بین ببرد.

سفیر ایران در ارمنستان، مهدی سبحانی، هفته گذشته در مصاحبه‌ای به منافع متفاوت روسیه و ایران در منطقه اذعان کرد؛ برخلاف تصویری که در مورد همکاری روسیه و ایران مطرح است.

سبحانی گفت: «ما متحد نیستیم. ما اختلافاتی داریم و منافع متقابل داریم. این بدان معنا نیست که ما متحد هستیم.»

روند نگران کننده خودکشی‌های نظامی در سال ۲۰۲۳

خود را منتشر کرد که شامل اقدامات ایمنی اسلحه برای همه اعضای ارتش بود.

از آن زمان، رهبران پنتاگون کارزار جدیدی را برای رسیدگی به خودکشی‌ها راه‌اندازی کرده‌اند که شامل توصیه‌هایی، اما نه دستوراتی برای نگهداری ایمن اسلحه‌ها و ایمنی اسلحه است. مقامات همچنین قصد دارند در چهار سال آینده بیش از ۲ هزار متخصص بهداشت روان جدید را با تمرکز بر پیشگیری از خودکشی استخدام کنند.

هدف ما این است که از جامعه نظامی در جایی که آن‌ها در زندگی شخصی و حرفه‌ای خود هستند ملاقات کنیم، چه از طریق تقویت آمادگی مالی و حمایت، ایجاد روابط سالم، بهبود سلامت روان، یا حمایت از آن‌ها از طریق انتقال زندگی.

<https://B2n.ir/z38419>

این تلاش‌ها و یافتن چیزهایی که مؤثرترین هستند، سرمایه‌گذاری کنیم».

نیروی فضایی دو مورد مرگ بر اثر خودکشی را در سال ۲۰۲۳ گزارش کرد، رقمی که برای تحلیل آماری روند نیروها بسیار کوچک است.

در حالی که هویت گفت که افزایش اخیر نشان نمی‌دهد که مشکل خودکشی در صفوف به سرعت در حال بدتر شدن است، مقامات همچنین نمی‌توانند به شواهدی اشاره کنند که تلاش‌های قبلی برای پیشگیری از خودکشی به بهبود وضعیت کمک کرده است.

لوید آستین، وزیر دفاع، دو سال پیش کمیته بررسی مستقل پیشگیری و پاسخ به خودکشی را برای ایجاد ایده‌های جدید در مورد سلامت روان و بهبود کیفیت زندگی برای رسیدگی به مشکل خودکشی نظامی تأسیس کرد. در اوایل سال گذشته، این گروه گزارش

نیوی تایمز لئوشین |

بر اساس آماری که وزارت دفاع در روز پنجشنبه منتشر کرد، خودکشی‌های نظامی در سال ۲۰۲۳ دوباره افزایش یافت و به افزایش مداوم نگران‌کننده مرگ‌های خودساخته در میان نظامیان طی بیش از یک دهه ادامه داد.

مقامات پنتاگون اهمیت افزایش ۶ درصدی خودکشی‌ها از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ (آخرین داده‌های موجود) را کم اهمیت جلوه دادند و این افزایش را از نظر آماری معنی‌دار خواندند. اما آن‌ها با وجود سال‌ها تمرکز بر تلاش‌های پیشگیرانه، به «روند افزایش درآمدت نرخ خودکشی» برای سربازان فعال اذعان کردند.

دکتر تیموتی هویت، معاون دفتر تاب‌آوری نیرو، گفت: «در آینده، این تعهد ماست که واقعاً در ردیابی

تأملاتی در مورد انقلاب‌های نظامی، گذشته و آینده



مردن وار جان مورسی |

انقلاب‌های نظامی و انقلاب‌ها در امور نظامی (RMA) از زمان پیدایش آن‌ها توسط مورخ مایکل رابرتز در سال ۱۹۵۶ به طور گسترده مورد بحث قرار گرفته‌اند. انقلاب‌های نظامی تغییرات اساسی در چارچوب جنگ هستند، جوامع و دولت‌ها را بازسازی می‌کنند، در حالی که RMA ها خوشه‌هایی از فناوری، تاکتیکی، اعتقادی، یا تغییرات سازمانی محدود به حوزه نظامی. از حدود سال ۱۶۱۸ تا به امروز، پنج انقلاب نظامی در غرب رخ داد: ایجاد نهادهای دولتی و نظامی مدرن در قرن هفدهم، انقلاب فرانسه، ترکیب سه انقلاب اول در طول جنگ جهانی اول و سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک و توسعه سیستم‌های تحویل از پایان جنگ جهانی دوم.

پارادایم وستفالیایی جنگ در غرب را از اوایل دهه ۱۶۰۰ تا اوایل دهه ۱۹۰۰ متحول کرد و به تعداد انگشت شماری از دولت‌های غربی اجازه داد تا بیشتر جهان را فتح کنند. این پارادایم شامل سه انقلاب نظامی بود: جنگ سی ساله (۱۶۱۸-۱۶۴۸)، انقلاب فرانسه (۱۷۸۹)، انقلاب صنعتی (۱۸۶۰-۱۹۱۸) و ترکیبی از سه انقلاب اول در طول جنگ جهانی اول.

در دو طرف پرده آهنین ادامه داشتند. جنگ آمریکا علیه تروریسم و رفتار تهاجمی ژئوپلیتیک روسیه و چین نگرانی‌هایی را در مورد پارادایم جدیدی از جنگ ایجاد کرده است. تشکیل BRICS در سال ۲۰۰۹ سیستم اقتصادی برتون وودز را به چالش کشید، در حالی که چین طرح کمربند و جاده را در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی کرد. روسیه نفوذ خود را در کشورهای در حال توسعه افزایش داده و با گسترش ناتو مقابله کرده است. بازیگران غیردولتی، مانند گروه‌های تروریستی، شرکت‌های نظامی خصوصی و مولتی‌بیلیاردرها، به اندازه دولت‌ها قدرتمند شده‌اند. مهاجرت گسترده و ظهور احزاب راست افراطی دولت وستفالیای را تهدید می‌کند.

<https://B2n.ir/p40462>

اول و دوم ظهور کرد، مملو از پارادوکس بود. اتحادیه جهانی دولت‌های ملت که توسط وودرو ویلسون حمایت می‌شد، سرانجام پس از سال ۱۹۴۵ به عنوان سازمان ملل به وجود آمد، اما به بلوک‌های دولت‌های طرفدار آمریکا و شوروی و گروه‌های طرفدار غرب و ضد غرب تقسیم شد. دولت‌هایی که پس از ۱۹۱۸ پدید آمدند، متفاوت از پیشینیان وستفالیایی‌شان بودند، همچنان متمرکز بودند، اما بیشتر متکی به متخصصان بوروکراتیک و تکنوکرات، دموکراتیک یا دیکتاتوری بودند تا سلطنتی و دارای اقتصاد بازاری یا فرماندهی بودند. فن‌آوری سلاح‌های اتمی و هسته‌ای درگیری‌های مقیاس بزرگ را محدود کرد، اما ارتش‌های عظیم متشکل از سربازان عادی و سربازان کوتاه‌مدت تا زمان برداشتن پرده آهنین در سال ۱۹۹۱

انقلاب صنعتی که در نیم قرن قبل از جنگ جهانی اول رخ داد، شامل بهره برداری نظامی از شگفتی‌های انقلاب صنعتی مانند کشتی بخار، راه آهن و تلگراف، معرفی پودر بدون دود، تفنگ‌ها و پیچ و مهره و ماشین بود. اسلحه و توسعه داروهای ضد مالاریا.

سال ۱۹۱۴ نقطه پایان انقلاب نظامی و پارادایم وستفالیایی جنگ در سه قرن قبل بود. قدرت‌های بزرگ در دو بلوک متحد که تحت اصول Realpolitik، با قدرت متمرکز و مستعمرات خارج از مرزهای خود، در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. افسران حرفه‌ای آن‌ها برای فرماندهی تشکیلات پیاده نظام متمرکز، سواره نظام اسب سواری و توپخانه با اسب آموزش دیده بودند. پارادایم ویلسونی که پس از جنگ جهانی

نیوزویک / هیو کامرون

مواردی که دونالد ترامپ درباره ناتو بیان کرده است



از هر کشور دیگری برای ناتو هزینه می‌کند. این امر منصفانه و قابل قبول نیست».

ترامپ در تظاهرات ماه فوریه سال ۲۰۲۴ در کارولینای جنوبی، این اقدام را یک گام فراتر برد و گفت وگویی خود را با رئیس دولت ناشناس یکی از اعضای ناتو بازگو کرد. ترامپ به حاضران در راهپیمایی گفت که در دوران ریاست جمهوری خود، در جلسه‌ای به میزبانی ینس استولتنبرگ، دبیرکل وقت، شرکت کرده است، زمانی که «یکی از روسای جمهور یک کشور بزرگ» از او پرسید: خوب، آقا، اگر ما پول ندهیم و روسیه به ما حمله کند، از ما محافظت می‌کنید؟

ترامپ گفت: «به آن‌ها گفتم شما پولی ندادید، شما متخلف هستید. نه من از شما محافظت نمی‌کنم، در واقع، [روسیه] را تشویق می‌کنم که هر کاری که می‌خواهند انجام دهد.»

این اظهارات در سراسر اروپا و همچنین توسط جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا محکوم شد.

اعتراف ترامپ به اینکه قصد دارد به پوتین برای جنگ و خشونت بیشتر چراغ سبز نشان دهد، به حمله وحشیانه خود علیه او کراین آزاد ادامه دهد و تجاوز خود را به مردم لهستان و کشورهای بالتیک گسترش دهد، وحشتناک است و بایدن در بیانیه‌ای گفت: «خطرناک است.»

در ماه دسامبر سال ۲۰۱۹، ترامپ در دیدار با استولتنبرگ از ناتو و اعضای آن دفاع کرد.

از ترامپ درباره اظهارات امنوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه که در مصاحبه با اکونومیست در ماه نوامبر گفت که ائتلاف در حال تجربه یک «مرگ مغزی» است، سؤال شد.

is.gd/qWVuj7

انتقاد قرار داده است.

در اینجا پنج مورد است که رئیس جمهور منتخب در مورد اتحاد ۷۵ ساله گفته است.

ترامپ در اولین نامزدی خود برای کاخ سفید در سال ۲۰۱۶، چندین اظهار نظر درباره هزینه آمریکا در این ائتلاف بیان کرد.

در ماه مارس همان سال، نامزد انتخابات ریاست جمهوری به هیئت تحریریه واشنگتن پست گفت، در حالی که نمی‌خواهد از ناتو خارج شود، اما از تلفاتی که عضویت بر آمریکا گرفته است ناراحت است. ترامپ گفت: «ناتو در زمان دیگری تأسیس شد. ناتو زمانی تأسیس شد که ما کشور ثروتمندتری بودیم. اکنون ما کشور ثروتمندی نیستیم.» ما در حال قرض گرفتن هستیم، ما همه این پول را قرض می‌کنیم. ما از چین پول قرض می‌کنیم که یک وضعیت باورنکردنی است؛ اما همه چیز وضعیت بسیار متفاوتی دارد.

در همان روز، ولف بلبیتزر، خبرنگار سی‌ان‌ان از ترامپ پرسید که آیا آمریکا باید در مورد مشارکت خود در این ائتلاف تجدیدنظر کند یا خیر.

بین سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، ترامپ چندین بار گفت که معتقد است ائتلاف دوران جنگ سرد بیش از حد استفاده از آن بوده است.

ترامپ در ماه آوریل سال ۲۰۱۶ گفت: «این واقعاً برای اتحاد جماهیر شوروی طراحی شده بود که دیگر وجود ندارد.» این برای ترور بسم طراحی نشده بود.

ملاحظات اولیه ترامپ در مورد این ائتلاف مربوط به تعهدات دفاعی دیگر اعضا و دیدگاه او مبنی بر اینکه آمریکا سهم نامتناسب و ناعادلانه‌ای از کمک‌های مالی ناتو دارد.

او در سال ۲۰۱۸ در توییتی نوشت: «آمریکا بیش

پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ این پرسش را مطرح می‌کند که پس از روی کار آمدن دولت جدید، نقش آمریکا در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) چگونه خواهد بود.

نگرانی‌ها از این به وجود آمده است که ائتلاف دیگر نمی‌تواند به سخاوت یا حمایت قدرتمندترین عضو خود تکیه کند، در زمانی که واکنش قوی و متمرکز به تهدید ناشی از روسیه حیاتی تر تلقی می‌شود.

اد آرنولد، پژوهشگر ارشد امنیت اروپا در مؤسسه خدمات متحد سلطنتی، به نیوزویک گفت: «ناتو بر ثبات و قابلیت پیش‌بینی متکی است و ترامپ هیچ کدام از این چیزها نیست.»

علاوه بر کمک مستقیم، آرنولد گفت که ممکن است در میان مقامات ناتو و کشورهای عضو نیز نگرانی وجود داشته باشد که در صورت تلاش ترامپ برای مذاکره برای پایان سریع درگیری روسیه و اوکراین، همان‌طور که در مبارزات انتخاباتی وعده داده شده بود، آن‌ها از جزئیات باخبر نبودند.

او گفت: «مطمئن نیست که ناتو به عنوان یک سازمان در هر مذاکره با روسیه نقشی داشته باشد. به شرطی که شکلی از مذاکره یا گفت‌وگو با روی کار آمدن ترامپ اتفاق بیفتد.»

«شاید اگر کشورهای ناتو واقعاً برای دفاع از خود حساب خود را صاف کنند که این کار را نمی‌کنند، مشکلات تا حدودی حل شود. آن‌ها فقط در مورد قوانین فریاد می‌زنند در حالی که ارتش هایشان را شکنجه می‌کنند و سر آمریکا برای کمک فریاد می‌زنند.»

ترامپ بارها نقش آمریکا در ناتو را زیر سؤال برده و متحدان خود را به خاطر ایفا نکردن نقش خود در حالی که علناً حمایت آمریکا را زیر سؤال می‌برد، مورد

آتلانتیک / آن ایلپوم

پوتین برای کشورگشایی، در اوکراین نمی‌جنگد



حملات پهبادی و موشکی روسیه به اهداف اوکراینی در هفته پس از انتخابات آمریکا افزایش یافته است که منجر به کشته شدن غیرنظامیان و تخریب یک سد دیگر شده است. نیروهای روسی به پیشرفت‌های روزافزون به سمت شهر پوکرووسک ادامه دادند. ارتش روسیه در حال تدارک یک حمله جدید است که این بار از نیروهای کره شمالی استفاده می‌کند. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه انتخاب دونالد ترامپ را تبریک گفت، اما اشاره کرد که تنها در صورتی گفت‌وگو خواهد کرد که آمریکا مذاکرات را آغاز، تحریم‌های خود را لغو و از ارائه هرگونه حمایت بیشتر از اوکراین خودداری کند، به عبارت دیگر، پیروزی روسیه را بپذیرد. در همین حال، تلویزیون دولتی روسیه با نشان دادن عکس‌های برهنه ملانیا ترامپ در پربیننده‌ترین کانال این کشور، از اخبار انتخابات استقبال کرد. دولت جدید آمریکا چگونه پاسخ خواهد داد؟ دولت در حال خروج چه باید بکند؟

از یک نظر هیچ چیز تغییر نخواهد کرد. برای نزدیک به سه سال، بسیاری از مردم، از راست تا چپ، در اروپا و آمریکا خواستار مذاکره برای پایان دادن به تهاجم روسیه به اوکراین شده‌اند. دولت بایدن بارها امکان مذاکره را بررسی کرده است. دولت آلمان دائماً پیشنهاد مذاکره را داد. اکنون تیم جدیدی وارد واشنگتن خواهد شد و خواستار مذاکره نیز خواهد بود.

تیم جدید بلافاصله با همان معضلی مواجه می‌شود که همه با آن مواجه شده‌اند: «سرزمین برای صلح» به نظر خوب می‌رسد، اما رئیس‌جمهور روسیه برای زمین نمی‌جنگد. پوتین نه برای فتح پوکرووسک بلکه برای نابودی اوکراین به عنوان یک ملت مبارزه می‌کند. او می‌خواهد به مردم خود نشان دهد که آرمان‌های دموکراتیک اوکراین ناامیدکننده است. او می‌خواهد ثابت کند که مجموعه‌ای از قوانین و هنجارهای بین‌المللی، از جمله منشور سازمان ملل متحد و کنوانسیون‌های ژنو، دیگر اهمیتی ندارند. هدف او برقراری صلح نیست، بلکه ساختن اردوگاه‌های کار اجباری، شکنجه غیرنظامیان، ربودن ۲۰ هزار کودک اوکراینی و قسر در رفتن از مهلکه است که تا به حال انجام داده است.

پوتین همچنین می‌خواهد نشان دهد که آمریکا، ناتو و غرب بدون توجه به اینکه رئیس‌جمهور کیست، ضعیف و بلا تکلیف هستند و حکومت وحشی‌اش نشان‌دهنده نوعی استناد دارد جهانی جدید است و اکنون او همچنین باید به کشورش نشان دهد که نزدیک به سه سال جنگ هدفی داشته است،

اکنون ۲۱ درصد است. صنایع روسیه که به‌ویژه در برابر تحریم‌ها آسیب‌پذیرند، مانند گاز طبیعی مایع، در فشار هستند. نیروی دریایی روسیه در دریای سیاه تحقیر شد. ارتش این کشور هنوز مناطق از دست رفته در استان کورسک روسیه را که تابستان گذشته توسط اوکراینی‌ها فتح شده بود، بازپس نگرفته است.

هنگامی که رئیس‌جمهور بعدی، وزیر دفاع و وزیر امور خارجه آمریکا روی کار آمدند، متوجه خواهند شد که با همان انتخاب‌هایی روبرو هستند که دولت فعلی انجام داد. آن‌ها می‌توانند با استفاده از ابزارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی درد و رنج پوتین را افزایش دهند و مطمئن شوند که او از جنگ دست می‌کشد.

جو بایدن در دو ماه پایانی ریاست‌جمهوری خود همراه با متحدان اروپایی اوکراین، آخرین فرصت را خواهند داشت تا روسیه را به شدت تحت فشار قرار دهند، به تشدید غیرعادی روسیه و کره شمالی پاسخ دهند و خط مقدم اوکراین را تثبیت کنند. این آخرین فرصت بایدن است تا به اوکراین اجازه دهد حملات دوربرد را علیه اهدافی در داخل روسیه انجام دهد. اگرچه روس‌ها می‌توانند به هر هدف، نظامی یا غیرنظامی، در هر نقطه از اوکراین و در هر زمان حمله کنند، اما اوکراینی‌ها به پهبادهای خودشان محدود شده‌اند.

is.gd/CC6Cm8

با توجه به اینکه این جنگ پرهزینه، خونین و طولانی که رسماً چیزی بیش از یک «عملیات نظامی ویژه» توصیف می‌شود، قرار بود به پایان برسد. در عرض چند روز شاید پوتین علاقه‌مند به توقف جنگ برای مدتی باشد. شاید بتوان او را تهدید به توقف پیشروی کرد یا با پیشنهاد کاهش تحریم‌ها رشوه داد؛ اما هر معاهده آتش‌بسی که مانعی مانند ضمانت‌های امنیتی، نیروهای ناتو در اوکراین، تسلیح مجدد عمده‌ای در راه تهاجم دیگر دیر یا زود شکست خواهد خورد، زیرا به سادگی به روسیه فرصتی می‌دهد تا استراحت کند، دوباره مسلح شود و بعداً به دنبال همان اهداف از سر گیرد.

پوتین واقعاً جنگ را متوقف می‌کند تنها در صورتی که جنگ را بیازد، قدرت و یا کنترل اقتصاد خود را از دست بدهد و شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد او از هر سه آن‌ها می‌ترسد، به‌رغم حرکت کند نیروهایش به جلو. اگر پوتین تعداد زیادی روس برای جایگزینی بیش از ۶۰۰ هزار سربازی که او بر اثر جراحت یا مرگ از دست داده بود، داشت، مجبور نمی‌شد هزاران سرباز کره شمالی را وارد کند. اگر از حمایت مستمر مردم آمریکا از اوکراین نگران نبود، او به یوتیوبرهای آمریکایی برای تبلیغ مطالب ضد اوکراینی پولی نمی‌داد. اقتصاد او در مشکل است: تورم روسیه به سرعت در حال افزایش است. نرخ بهره روسیه

مدای آمریکا

دیدار بایدن و شی؛ تأکید بر گفت‌وگو و جلوگیری از تشدید رقابت آمریکا و چین

در سال‌های گذشته، بایدن و شی توانسته‌اند با تأکید بر اهمیت ثبات، رقابت پیچیده میان دو کشور را مدیریت کنند. در نشست سال گذشته در حاشیه اجلاس گروه ۲۰ در بالی، آن‌ها توافق کردند تا ارتباطات نظامی میان دو کشور را از سر بگیرند تا تنش‌های پیرامون تایوان و دریای جنوبی چین مدیریت شود.

شی در نشست مجمع همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه خواستار «تحریک جدید» برای ایجاد یک «اقتصاد باز در منطقه آسیا-اقیانوسیه» شد و از تلاش‌های این گروه برای سرعت بخشیدن به تحقق منطقه تجارت آزاد آسیا-اقیانوسیه حمایت کرد.

بایدن پس از نشست مجمع همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه راهی اجلاس گروه ۲۰ در بوداپست بود و خواهد شد و توفقی کوتاه در آمازون برزیل خواهد داشت تا درباره تغییرات اقلیمی سخنرانی کند.

ibit.ly/Brlha

درستی برای همکاری «پیدا کنند و به همزیستی مسالمت‌آمیز بلندمدت» دست یابند.

چند ساعت پیش از این دیدار، شی جین‌پینگ در جمع رهبران مجمع همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه به عنوان مدافع «چندجانبه‌گرایی و اقتصاد باز» ظاهر شد. او در سخنرانی خود از رهبران خواست «دیوارهایی را که مانع جریان آزاد تجارت، سرمایه‌گذاری، فناوری و خدمات می‌شوند، فروبریزند.»

منابع دیپلماتیک خارجی گفتند که نگرانند آمریکا تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین و نامزد انتخابات ۲۰۲۴، به سمت حمایت‌گرایی و انزواطلبی بیشتر حرکت کند.

ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری خود، آمریکا را از چندین توافق نامه چندجانبه از جمله پیمان تجارت آزاد شراکت ترانس-پاسیفیک و توافق اقلیمی پاریس خارج و تعرفه‌های سنگینی بر چین اعمال کرد که هنوز توسط دولت بایدن حفظ شده‌اند.

جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا و شی جین‌پینگ، همتی چینی وی، روز شنبه در حاشیه نشست مجمع همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه در پرو، بر اهمیت حفظ گفت‌وگو برای مدیریت رقابت میان دو کشور تأکید کردند.

بایدن ارتباط میان آمریکا و چین را «مهم‌ترین رابطه در جهان» توصیف کرد و گفت هر دو کشور مسئولیت دارند تا اجازه ندهند رقابت میان آن‌ها به درگیری تبدیل شود. او تأکید کرد: «این گفت‌وگوها از سوءبرداشت‌ها جلوگیری می‌کند. طی چهار سال گذشته نشان داده‌ایم که این نوع رابطه امکان‌پذیر است.»

شی نیز دیدگاهی مشابه ارائه کرد و گفت: «دو کشور باید منافع کل جهان را در نظر بگیرند و به این دنیای پرآشوب قطعیت و انرژی مثبت بیشتری تزریق کنند.»

رئیس‌جمهور چین همچنین گفت که پکن برای ایجاد روندی سازگار در روابط با واشنگتن تلاش خواهد کرد. شی جین‌پینگ تأکید کرد که دو کشور باید «مسیر

ای فلاکس / اسلاوی ژیک

اروپای رادیکال در مقابل آمریکای عوام‌گرا



با دیگر ابرقدرت‌های محلی جدید (روسیه، هند و چین) تعامل برابری دارد. یک پیغام اتحادیه اروپا به درستی اشاره کرد که با پیروزی ترامپ، اروپا دیگر «خواهر کوچک و شکننده» آمریکان نیست. آیا اروپا قدرت مقابله با MAGA را با چیزی که بتوان آن را MEGA (اروپا را دوباره باشکوه کنیم) نامید، پیدا کرده است؟ در صورتی که جریان چپ نتواند خود را با شرایط جدید تطبیق دهد و سیاست‌های جسورانه‌تری را در پیش نگیرد، احتمال تثبیت جریان محافظه‌کار و عوام‌گرا در سیاست آمریکا بیش از پیش خواهد شد.

ibit.ly/7XAoa

راست‌گرا در لهستان، نشان از گسترش این جریان در سطح جهانی دارد. نکته قابل توجه در پیروزی ترامپ، حمایت طیف گسترده‌ای از رأی‌دهندگان ظاهراً میانه‌رو از سیاست‌های تند اوست. این افراد که در زندگی روزمره چهره‌ای معتدل دارند، از ترامپ به عنوان ابزاری برای بیان اعتراض خود به وضع موجود استفاده می‌کنند.

طنز نهایی پروژه ترامپ این است که شعار MAGA (آمریکارا دوباره باشکوه کنیم) عملاً خلاف آن در حال وقوع است. ترامپ می‌خواهد آمریکا را به بخشی از بریکس تبدیل کند، یک ابرقدرت محلی (آمریکا) که

دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ با شکست کاملاً هریس بار دیگر به کاخ سفید راه یافت. این پیروزی که با همان ۷۴ میلیون رأی انتخابات قبلی به دست آمد، بیشتر مدیون ریزش چند میلیونی آرای دموکرات‌ها بود تا افزایش محبوبیت ترامپ. ناکامی هریس در جلب اعتماد رأی‌دهندگان کلیدی حزب دموکرات، به ویژه جوانان، سپاه پوستان و مسلمانان، عامل اصلی شکست او به شمار می‌رود. در مقابل، ترامپ توانست با جذب آرای مهاجران محافظه‌کار، به خصوص لاتین تبارها، پایگاه رأی خود را حفظ کند.

کارشناسان اقتصادی معتقدند گرچه دولت بایدن توانست نرخ بیکاری را به پایین‌ترین سطح در چند دهه اخیر (۳.۵ درصد) برساند و رشد اقتصادی قابل قبولی (۵.۷ درصد در ۲۰۲۱ و ۲.۱ درصد در ۲۰۲۳) را ثبت کند، اما افزایش هزینه‌های زندگی و تورم فزاینده، فشار سنگینی بر اقشار کم‌درآمد وارد کرد. با بازگشت ترامپ، انتظار می‌رود تغییرات گسترده‌ای در سیاست‌های داخلی آمریکا رخ دهد. از محدودیت سقظ جنین گرفته تا تغییر در نظام خدمات درمانی و کاهش حمایت‌های اجتماعی از اقلیت‌ها، همگی در دستور کار دولت جدید قرار دارند.

موج راست‌گرایی تنها به آمریکا محدود نمی‌شود. پیروزی حزب برادران ایتالیا به رهبری جورجیا ملونی با ۲۶ درصد آرا و کسب ۳۵ درصدی آرای احزاب

الشرق الاوسط / عبدالرحمان الراشد ترامپ و طرح تغییر غرب آسیا



یکی از بزرگ‌ترین خطاها در برخورد با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، دست کم گرفتن توانایی‌های اوست. اینکه ترامپ اصطلاحات دانشگاهیان را به کار نمی‌گیرد، از عبارات تحلیلی گران استفاده نمی‌کند و به درایت و تدبیر سیاسی معروف نیست، به این معنایست که او درباره این مسائل درک و آگاهی کم‌تری دارد.

مخالفان ترامپ همواره او را تمسخر می‌کردند. مخالفان داخلی در بخشی از کارزارهای انتخاباتی و حزبی او را استهزای کردند و تحلیل گران خارجی مخالف می‌کوشیدند آبروی ترامپ را خدشه دار کنند. ترامپ نه مانند بیل کلینتون فارغ‌التحصیل دانشگاه بیل است و نه مانند بایدن در راهروهای کنگره و دنیای سیاست پنجاه سال تجربه دارد، اما راهی که او در چهار سال دوره ریاست جمهوری قبلی اش پیمود در برخورد با اتفاقات موفق تر بود. وقتی ترامپ تهدید کرد که توافق برجام با ایران را لغو یا بهبود می‌بخشد، به او گفتند که این یک توافق بین‌المللی است و او قادر به خروج از این توافق نیست، اما او برجام را به کلی لغو کرد، مسیر تاریخ منطقه را تغییر داد و آن را از خطرات و پیامدهای آن توافق بد نجات داد.

ممکن است ترامپ نه به اندازه کیسینجر تحصیل کرده باشد و نه به اندازه کارتر متواضع، اما اینکه او برآمده از طبقه سرمایه‌گذاری و املاک و مستغلات است ممکن است در کشور سرمایه‌داری چون ایالات متحده، که اساسش بر سخت‌کوشی و رقابت است، به نفع او تمام شود.

ترامپ توانایی و شایستگی اش برای رهبری ایالات متحده را نشان داد و بارزترین نمود این توانایی موفقیتش در اولین انتخابات ریاست جمهوری بود که آن را در انتخابات دوم هم تکرار کرد. البته موفقیت ترامپ به خود او نسبت داده می‌شود، نه به شرکت‌های روابط عمومی یا حزبش. افزون بر این، ترامپ برخلاف بیشتر روسای جمهوری پیشین آمریکا، که از حمایت احزاب و

رهبران کارزارهای انتخاباتی برخوردار بودند، از حمایت ویژه‌ای برخوردار نبود. پیروزی ترامپ در این انتخابات رویدادی بی‌همتا و گواهی بر محبوبیت و توانایی او در تاثیرگذاری است. بنابراین، این پیروزی بزرگ ترامپ را قادر می‌سازد تا تغییراتی ایجاد کند، کشور بزرگ و مهمی مانند آمریکا را رهبری کند و تصمیم‌های بزرگی بگیرد که خیلی‌ها جرئت آن را ندارند.

ترامپ همان گونه که به هوادارانش وعده داد، در حوزه مهاجرت، اقتصاد و تحصیل تغییرات مهمی ایجاد خواهد کرد و برای رسیدن به این هدف کارزارهای داخلی بسیاری را به راه خواهد انداخت و در طول چهار سال ریاستش، که در آستانه آغاز شدن است، طوفان‌های زیادی به پا خواهد کرد.

در مورد خاورمیانه چطور؟ برای درک این موضوع بهتر است به یاد آوریم که ترامپ هنگامی که در سال ۲۰۱۷ وارد کاخ سفید شد، چه کرد. در آن زمان او از پروتکل متعارف اولین مقصد سفر رئیس‌جمهوری جدید پیروی نکرد و به بریتانیا رفت. پیش از آن روسای جمهوری آمریکا به طور سنتی سفرهای خارجی‌شان را از بریتانیا آغاز می‌کردند، اما ترامپ تصمیم گرفت در اولین سفر خارجی به جای لندن به ریاض پایتخت عربستان سعودی برود. در آن زمان،

سیاستمداران آمریکایی از عربستان سعودی به شدت انتقاد می‌کردند و باراک اوباما، رئیس‌جمهوری قبلی، رابطه با عربستان سعودی را بخشی از گذشته روابط آمریکایی دانست.

ترامپ که اتهام نژادپرستی علیه اعراب و مسلمان به او وارد شده بود، کارزار انتخاباتی اش را از میان طوفان‌های دشواری عبور داد و سرانجام به پیروزی رسید. سپس با پذیرفتن دعوت عربستان سعودی و انتخاب این کشور به عنوان اولین مقصد سفر خارجی اش، همه را شگفت زده کرد. سفر او به ریاض پیامی برای سیاستمداران متخاصم در واشینگتن و کشورهای منطقه بود. در طول چهار سال دوره ریاست جمهوری ترامپ این رابطه همان گونه که ترامپ می‌خواست پیش رفت. زمانی که بایدن جانشین او شد، نخست به وعده‌هایش عمل نکرد، اما سرانجام ناگزیر شد راه ترامپ را در پیش بگیرد.

اکنون که رئیس‌جمهوری منتخب می‌گوید قادر است بحران‌های جدی مانند جنگ اوکراین، جنگ غزه و لبنان و سایر مسائل را حل کند و در جریان کارزارهای انتخاباتی خود وعده داده است که با آن‌ها برخورد جدی می‌کند، انتظار ما این است که او این وعده را عملی کند. ترامپ، که اکثریت هر دو مجلس کنگره او را همراهی می‌کنند،

از همین حالا تماس‌هایش را آغاز کرده و نمی‌خواهد تا بیستم ژانویه آینده، که رسماً کارش آغاز می‌شود، منتظر بماند. آخرین نکته‌ای که بایستی به آن اشاره کرد این است: اینکه ترامپ جهان را چگونه می‌بیند مهم نیست، مهم این است که جهان چه انتظاری از ترامپ دارد. تصویری که جهان از ترامپ دارد این واقعیت را بازگو می‌کند که او قدرتمند و مصمم است، بی‌درنگ دست به اقدام می‌زند و آنچه را که می‌گوید انجام می‌دهد. این تصویر باعث می‌شود مخالفان آمریکا قبل از درگیر شدن با ترامپ در مسائل اساسی دوبار فکر کنند. با توجه به اینکه ترامپ اراده و ابزارهای لازم مانند اکثریت دو مجلس را دارد، اکثر مخالفانش ترجیح می‌دهند به جای ستیزه و کشمکش به سمت دادوستد سیاسی و انعقاد توافق گام بردارند.

به باور من، ترامپ به دنبال تغییر خاورمیانه است، اما این کار را نه از طریق جنگ که از طریق انعقاد پیمان و اعمال تحریم عملی خواهد کرد. همان‌طور که خود او می‌گوید، در چهار سال ریاست جمهوری اش هیچ جنگی راه نینداخت، اما در اعمال تحریم‌ها سخت‌گیر بود. از این رو، باید خاورمیانه آماده تغییر باشد و خود را با تغییرات آینده سازگار کند.

ibit.ly/QyKLS



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مرکز مطالعات

Sourianc.com